



گزارش «شرق» از ماجرای دزدیدن کودکی برای موهای بلندش در تهران

سارقانی بانمای جدید

زمین می‌آمده. گونه‌های صورت سفیدش بین بیشتر روایت‌ها سرخ می‌شود و

لبخند بزرگی بر چهره‌اش نقش می‌بندد.

داخل ماشین پراز موهای رنگارنگ بود

وارد خانه که می‌شوی، راهرو طولانی به اتاق‌های تودرتو می‌رسد؛ اتاقی که جز چند پشتی و کمدهی رنگ‌ورورفته چیز دیگری ندارد. بی‌بی برخلاف نامی که صدایش می‌زند، مادر جوان و پراثرژی افغانستانی است. هرازگاهی با دخترانش شوخی می‌کند و با هم لبخندی می‌زنند. سه سال قبل در تصادفی همسرش را از دست می‌دهد و خودش می‌ماند و چند کودک قدونیم‌قد، می‌گوید: «آن پنج روز که از ستایش بی‌خبر بودیم جان دادم، آتش گرفتیم… خواهر و برادرهایش فقط اشک می‌ریختند… گفتم دخترم را با ماشینی زند و رفتند، بلایی سرش آوردند، از بی‌خبری مردم، همسایه‌ها برای من گریه می‌کردند و می‌گفتند بمیریم برای

بختی که داری…»، ستایش ۱۰ساله در یکی از مراکز مردنهاد نزدیک خانه درس می‌خواند؛ اما بعد از این ماجرا چند هفته‌ای است که به آن مرکز نرفته است. بین تمام صحبت‌های مادرش سکوت می‌کند و رغبت چندانی برای روایت آن روزها ندارد. موهای بلندش حالا به شکل منظم به پایین گوشش می‌رسد. مددکار اشاره می‌کند که فروشنندگان مو به موهای منظم چیچی‌شده نیاز داشتند، برای همین موهای دختر ما را این‌قدر مرتب و مدل‌دار کوتاه کردند.

ستایش داستان را با جملات بریده‌بریده از ماشینی با شیشه‌های دودی شروع می‌کند: «از مدرسه به سمت خانه می‌آمدم، مدل ماشین را بلد نبودم، اما شیشه‌های دودی داشت. با نشان‌دادن جاقو من را سوار ماشین کردند… یک خانم و یک آقا بودند. وقتی سوار شدم، دو دختر دیگر هم در ماشین بودند و فقط گریه می‌کردند. مرد سیاه و بزرگ با جاقوی بزرگ تهدید می‌کرد کسی حرف نزند. چند محله که دور شدیم کاغذی را برد تا چند نفر امضا کنند و دوباره سوار ماشین شد، کمی که گذشت همان مرد کیسه‌ای دست‌دار برداشت و موی هر سه نفر ما را با قیچی برید و آن را کره زد. داخل ماشین پراز کیسه مو بود… موهای مشکی، طلایی، قرمز، همه رنگ بود. بعد از مدتی جلوی کلانتری در دماوند رسیدیم، آن خانم و آقا گفتند حق ندارم حرف بزنم و باید اسمم را هم اشتباه بگویم، من هم ترسیده بودم. وقتی وارد کلانتری شدیم آن مرد کاغذ امضاشده را به ماورها داد و گفت من را در خیابان پیدا کرده و این هم امضای اهالی همان‌جاست. وقتی اسمم را پرسیدند گفتم ستاره هستم… من دیگر آن دو دختر را ندیدم چون حتی ماشین را هم کمی دورتر از کلانتری پارک کردند… بعد از آن به بهزیستی خبر دادند و من را از کلانتری بردند. ماشینی که من را به بهزیستی می‌برد شبیه به آمبولانس بود. یک خانم جاق مهربانی آنجا بود… ولی باز آنجا هم اسمم را اشتباه گفتم… به من گفتند اینجا قرنطینه است و باید چند روزی اینجا بمانم. یک اتاق کوچک با یک تخت بود. اسباب‌بازی هم نداشتم، نمی‌گذاشتند بیرون بروم و هر چیز می‌خواستم خودشان می‌آوردند…».

همان لحظه بی‌بی صحبت دخترش را قطع می‌کند و با لهجه خاص خود می‌گوید: «بعدا که من رسیدم آنجا، خانم‌های بهزیستی می‌گفتند این چهار روز که دخترت اینجا بود فقط گریه می‌کرد… چون اسمش را اشتباه گفته بود، چند روز طول کشید تا بفهمیم کجاست…».

قبل از آن به ما پیشنهاد فروش مو داده بودند

دورتادور اتاق به‌جای بی‌بی نشسته‌اند، یکی نقاشی می‌کشد و دیگری کارنامه کلاس اولش را نشان می‌دهد. خواهر بزرگ ستایش تقریبا ۱۴ سال دارد. موهای خرمایی و بلندش را از پشت سر سبک‌گوشی، گوشش را روی زمین می‌گذارد و چند پیام از واتساپ را نشان می‌دهد که فردی قصد خرید موهای او و ستایش را داشته و بدون اعلام مبلغی تنها از خرید مو با قیمت بالا حرف زده است. از همان موقع می‌گوید: «چند روز قبل از این ماجرا، خانمی در محل من و ستایش را دید و گفت موهای ما را می‌خرد، ما هم شماره گرفتیم. می‌خواست بیاید خانه، یک بار دیگر موهای ما را ببیند و قیمت بدهد که ما گفتیم بشیمان شدیم و دیگر جوابش را ندادیم. بعد از آن یک بار هم ستایش را در کوچه دیده بود؛ ولی ما دیگر بشیمان شده بودیم». مددکار همراه ما اشاره می‌کند که به دلیل ژن خاص، افغانستانی‌ها و هندی‌ها جنس موی خوبی دارند، امکان این اتفاقات برای آنها وجود دارد؛

نستن فرخه: «کیسه دسته‌داری برداشت و موی هر سه نفر ما را با قیچی برید و آن را کره زد. داخل ماشین پر از مو بود… موهای مشکی، طلایی، قرمز، همه رنگی بود. با جاقوی بزرگی تهدیدمان کرد تا کسی حرف نزند».

ماشین در یکی از خیابان‌های اطراف باغ آذری نگه می‌دارد و با تهدید ستایش را سوار می‌کند؛ ماشینی که حامل دو دختر با موهای بلند و کیسه‌های متعدد از موهای رنگارنگ است. راننده از محله‌ای به محله دیگر می‌رود و در آخر، یکی از خیابان‌های دماوند را مکان امنی برای بریدن گیس بلند سه دختر داخل ماشین می‌بیند و با قهه‌ای در دست کودکان را تهدید به سکوت می‌کند.

ستایش از پنجم خرداد از هرگونه تنهایی گریزان شده، گاهی کاپوس می‌بیند و حتی در اتاق خانه هم بدون خواهر و برادرهایش نمی‌ماند. خودش عکسی از چند روز قبل از این واقعه نشان می‌دهد که موهای بلندش موقع نشستن تا روی

در نشست خبری شهردار تهران از توسعه خطوط مترو و نوسازی ناوگان اتوبوسرانی خبر داده شد

وعده‌های تازه ترافیکی شهردار تهران

شرق: فهرست وعده‌های شهردار تهران در حوزه حمل‌ونقل عمومی در هر سخنرانی طولانی‌تر می‌شود. علیرضا زاکانی روز گذشته باز هم از ایجاد یک خط تراموا سخن گفت و افزایش تعداد اتوبوس‌های تهران. تکمیل خطوط هفت‌گانه مترو را پایان امسال اعلام کرد و خبر داد که پیش‌پرداخت قرارداد ۶۳۰ واکن توسط دولت انجام شده است. او درباره ورود اتوبوس‌های کم‌کارکرده خارجی هم توضیح داد و تأکید کرد که هنوز قرارگاه حمل‌ونقل در شهرداری فعال است.

در این نشست خبری جای جلال بهرامی، معاون حمل‌ونقل و ترافیک خالی بود و مسعود درستی مدیرعامل شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه، محسن هرمزی مدیرعامل شرکت مترو و رضا شاه‌طاهری مدیرعامل شرکت واکن‌ساز همراه شهردار تهران بودند. پیش از آغاز نشست خبری شش رام قطار اورهال‌شده در شرکت واکن‌سازی به ناوگان حمل‌ونقل عمومی افزوده شد.

علیرضا زاکانی مشکل اصلی تهران را ترافیک، آلودگی هوا و بی‌مسکنی و بدمسکنی دانست و گفت: در این دوره از مدیریت شهری اولویت را به هفت خط موجود دادیم و مطالعات ما نشان می‌داد با تکمیل این هفت خط ۶۰ درصد طولیبت مترو ایجاد می‌شود. بر همین اساس ۱۴ کیلومتر خط مترو افزایش پیدا کرد و ۱۰ ایستگاه به بهره‌برداری رسید. در سال جاری نیز ۱۲ کیلومتر در خطوط ۶،۴ و ۷ به همراه ۱۳ ایستگاه به بهره‌برداری می‌رسد که به‌جز این ۲۲ کیلومتر ۲۰ کیلومتر خط بزند نیز امسال افتتاح می‌شود و به این ترتیب راه‌آهن حومه‌ای به صورت پیوسته به بهره‌برداری می‌رسد.

شهردار تهران ادامه داد: در پایان امسال ۲۲ کیلومتر داخل شهر و ۲۰ کیلومتر خارج شهر به بهره‌برداری می‌رسد. پایان امسال تکمیل هفت خط را اعلام می‌کنیم ولی این خطوط بخش‌های توسعه‌ای داشتند که کار آنها امسال آغاز می‌شود و امیدواریم ۶.۵ کیلومتر در جنوب خط ۶ و ۱۱ کیلومتر در خط ۴ و ادامه خط ۲ به سمت ترمینال شرق را شروع کنیم که زمان اتمام آنها نیز حداکثر دو سال پیش‌بینی شده است.

زاکانی با تأکید بر اینکه چهار خط جدید نیز در کنار این توسعه‌ها داریم که خط ۱۰ امسال شروع شده و حفاری آن از ماه آینده آغاز می‌شود، افزود: تفاهم‌نامه خط ۹ نیز هفته آینده به امضا می‌رسد که به صورت دوطبقه اجرایی می‌شود و خطوط ۱۱ و ۸ نیز سال آینده آغاز خواهند شد. به این ترتیب هم خطوط فعلی تکمیل و هم خطوط جدید آغاز می‌شوند.

به گفته شهردار تهران ۶۳۰ دستگاه واکن بنا بود برای تهران در نظر گرفته شود که از سال ۹۵ باقی مانده بود که در سال گذشته با تنظیم تفاهم‌نامه‌ای با سازمان مدیریت به گونه‌ای پیش رفت که امروز دولت تعهدات خود را به صورت صددرصدی عمل کرده و ۱۵ درصد پیش‌پرداخت را به ما به صورت تسهیلات داده است و امیدواریم در بازه حداکثر دوماهه به حساب شرکت خارجی واریز شود و مقرر شد با همین پیش‌پرداخت ۱۶۱ واکن دیگر نیز به ۶۳۰ دستگاه قبلی اضافه شود که گسترش این قطارها پس از تولید در داخل کشور انجام می‌شود.

زاکانی ادامه داد: امروز ۲۷۰ کیلومتر خطوط مترو با ۱۵۰ ایستگاه و هزارو ۵۰۰ واکن داریم که از هزارو ۵۰۰ واکن ۲۸ واکن از زده خارج شده و دوسوم آن نیز باید بازسازی شود. لذا اولویت را در بازسازی گذاشیم که علاوه بر بازسازی، ارتقا نیز در دستور کار قرار گرفت.

جوابیه

پاسخ سازمان مدارس و مراکز غیردولتی آموزش و پرورش به گزارش «شرق»

در پاسخ به مطلب مندرج در آن روزنامه به تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۴ با عنوان «تحصیل در طبقات فوقانی» پاسخ سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی وزارت آموزش و پرورش را به استحضار می‌رساند.

انتشار یک گزارش در روزنامه شرق در روز یکشنبه ۴ تیرماه ۱۴۰۲ با عنوان «تحصیل در طبقات فوقانی» و انگاشت‌های گزارشگر آن رسانه از کنفرانس خبری معاون وزیر و رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی وزارت آموزش و پرورش می‌تواند بیانگر توجه آن رسانه محترم در حوزه آموزش و اهتمام به حفظ حقوق مردم باشد که این امر قابل تکریم است.

لذا حسب موضوع و متن گزارش، خاطر‌نشان می‌سازد این سازمان نیز در راستای رعایت و حمایت از حقوق مادی و معنوی مردم شریف کشور و ایجاد برابری فرصت‌های آموزشی و تربیتی آحاد دانش‌آموزان عزیز از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزد.

بنابراین اعلام نرخ و میزان افزایش شهریه‌های مدارس غیردولتی در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بر اساس مواد ۱۵ و ۱۶ قانون تأمین و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی و بر مبنای محاسبات مالی و منطبق بر سرفصل‌های دریافت، پرداخت و هزینه‌های جاری براساس الگوی تعیین‌شده شهریه این گونه مدارس تعریف شده که در این الگو همه شاخص‌های سرانه نیروی انسانی، سرانه فضا، تجهیزات و همچنین کیفیت آموزش و پرورش با رویکردهای تربیتی مورد توجه کارشناسان این سازمان بوده است تا میانگین شهریه‌ها بر اساس شرایط و مقتضیات هر مدرسه به تفکیک تعیین شود.

این سازمان جهت تئور افکار عمومی و آن رسانه محترم اعلام می‌دارد نرخ شهریه ۱۵ هزار مدرسه غیردولتی از ۱۸ هزار مدرسه کمتر از ۲۰ میلیون تومان تعیین شده است و برابر مقررات و ضوابط اجرایی به مدارس تأکید شده از دریافت وجوه خارج از عرف اجتناب نمایند.

شایان ذکر است که فرایند تعیین شهریه پس از تصویب در شورای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت مرکزی طی دستورالعمل آردی است که به همه استان‌ها و مدارس جهت اجرا ابلاغ گردیده است و بر اساس الگوی تعیین شهریه (با درنظرگرفتن نرخ تورم سالانه، اجاره‌بهای املاک آموزشی و پرورشی، حقوق و دستمزد عوامل اجرایی و آموزشی مدارس) و حمایت از حقوق شهروندان در سامانه مشارکت‌ها اعلام و بازگذاری می‌گردد.

خاطر‌نشان می‌سازد تیم‌های نظارتی این سازمان در راستای رعایت ضوابط، نحوه دریافت شهریه و انجام مراحل ثبت‌نام، قاطعانه بر فرایند امور نظارت و پیگیری جدی را در برخورد با متخلفان داشته و دارند؛ لذا این سازمان حسب شرح وظایف ذاتی و اداری خود آمادگی آن را دارد تا جهت تئور اذهان اجتماعی و شفاف‌سازی روند تعیین نرخ شهریه و شیوه‌نامه‌های ابلاغی گزارش‌های تکمیلی را ارائه نماید. خواهشمند است دستور فرمایید طبق قانون مطبوعات و رسانه‌ها نسبت به درج جوابیه این مرکز در همان صفحه و با همان قلم اقدام لازم صورت گیرد.

ولی مشخص نیست این واقعه با پیشنهاد خرید موی چند روز قبل از آن ارتباطی داشته باشد یا نه.

روزی که دخترم به خانه برگشت

خانواده حدود پنج روز به دنبال هر سرنخی از ستایش بودند. بی‌بی از همسایه‌های ایرانی می‌گوید که در این چند روز همپای او گریه کردند و برای یافتن ستایش همراه او بودند. «بعضی روزها به خانه پیرزنی معلول می‌روم و از او نگهداری می‌کنم. آن روز وقتی به خانه آمدم، ساعت شش بود که دیدم ستایش هنوز به خانه نیامده، دلم آتش گرفته بود، از هم‌کلاسی‌هایش پرسیدم، خبری نداشتند. جلوی در مدرسه رفتم؛ اما مدرسه تعطیل شده بود. دلم آشوب بود. یک‌دفعه در پارک آن نزدیکی به زمین افتادم و حالم بد شد. بی‌تاب بودم، خودم را می‌زدم… نمی‌دانستم چه کنم. بعد به کلانتری رفتم، عکس ستایش را همه جا پخش کردند… هر کاری می‌کردم تا دخترم پیدا شود؛ اما من پنج روز بی‌خبر بودم. تا اینکه تماس گرفتند که با مشخصات دختر شما کودکی در بهزیستی یوسف‌آباد داریم. اول به من گفتند چون ندار هستی، دخترت فرار کرده؟ فکر می‌کردند ستایش از سر فقر از خانه رفته. من فقط گریه می‌کردم، خانمی در بهزیستی کنارم آمد و گفت گریه نکن مادر، ما دختری با مشخصات دختر شما داریم، دخترت همین‌جاست، بی‌تابی نکن. من صدای ستایش را از راهرو شنیدم، به سمتش می‌رفتم، ستایش هم من را دید به سمت می‌دوید، ما به هم نرسیدیم و در راه گرفتمان به زمین خوردیم. همه کارکنان بهزیستی برای ما گریه می‌کردند. دخترم را در بغل گرفتم و گریه کردم… می‌ترسیدم که بگویند وضع مالی خوبی ندارم و ستایش را برنگردانند. قبل از اینکه از بهزیستی برای بازرسی به خانه بیایند، خانه را با قرض و عاریه پر مواد غذایی کردم… برای آزمایش‌های بهزیستی که ببینند ستایش مورد آزاری قرار گرفته یا نه از من پول گرفتند، تا الان بدون گریه‌ها، شش میلیون برای پیگیری و پیداکردن ستایش خرج کردم…».

لبخند روی صورتش دوباره اوج می‌گیرد و پشت هم جملات را ردیف می‌کند: «وقتی ستایش برگشت همسایه‌ها شیرینی پخش می‌کردند، همه جشن گرفتند. اما حالا ستایش از همه چیز می‌ترسد. تا به حال چند بار مربی‌هایش تماس گرفتند که بیا پیش ما. اما نمی‌رود، حتی با خواهرش هم نمی‌رود، از آن خیابان می‌ترسد… ولی خدای من بزرگ است، خودش مشکلات را حل می‌کند. من چند ماه بعد از فوت همسرم تنهایی در حیاط همین خانه بچه‌ام را به دنیا آوردم، چهار صبح تنهای تنها بودم، خدا همیشه با من بوده، فکر می‌کردم ستایش تمام شد، هیچ‌کس باور نکرد دخترم دوباره به خانه برگردد… آن روز همسایه‌ها به خاطر من رفتند زیارت که تلفن زنگ خورد و گفتند به بهزیستی یوسف‌آباد بروم».

چند قربانی؟

طبق گفته‌های ستایش، دو دختر دیگر هم در آن ماشین با شیشه دودی حتی مدل آن را نمی‌دانند، حضور داشتند؛ دخترهایی که شاید با عنوان کم‌شده به کلانتری دیگر تنهای تنها بودند، خانواده ستایش تنها یکی از خانواده‌های این ماجرا هستند که البته بعد از پیداشدن ستایش پیگیری حقوقی انجام ندادند و امید است دستگاه قضا با استفاده از دوربین‌های کلانتری‌های مذکور، جلوی اقدامات بعدی این آدم‌ربایان ناشناس را بگیرد.